

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتلائات و بشارت‌ها، پیشاهنگ تحقق وعده الله سبحانه و تعالی به نصرت!

(قسمت سوم)

(ترجمه)

هنگامی که ظالمان بر اهل حق چیره باشند، با ظلم و قدرت آهنین باطل خود را تحمیل می‌کنند. این واقعیت در عملکرد ظالمانه دولت‌های غربی در سرزمین‌های اسلامی به وضوح دیده می‌شود. آنان جاهلان و بی‌خردان را به حکمرانی برمی‌گزینند! تحت نام دیموکراسی و آزادی بدنبال نشر فساد و بداخلاقی هستند! بسوی انحراف و ارتداد از اسلام فراخوانی می‌کنند و تحت شعار آزادی دادن به زنان و کودکان، که یکی از اهداف توافق‌نامه‌های سیداو و همانند هایش است، در پی تخریب خانواده اسلامی هستند و رسانه‌های مزدور و اجیر در رساندن این امور پیش‌پاافتاده و صیقل دادن داعیان سقوط کرده خود آن‌ها را همکاری می‌کنند! این واقعیت بر برخی از حاملان دعوت حق تأثیر گذاشته، بنابر این، برخی از حاملان دعوت حق، که در پی اقامه قانون الله سبحانه و تعالی در روی زمین هستند، چنین تصور می‌کنند که در دعوت‌شان مشکلی وجود دارد و به همین خاطر نصرت نمی‌آید و برخی ممکن است پا فراتر از آنان بگذارند و از دعوت‌شان دست‌بردار شوند، به این تصور که دعوت‌شان روح ندارد و ممکن به تغییر منهج خود بپردازند؛ همان منهجی که برای آوردن تغییر از دین و ایدیولوژی خود استنباط کردند و آن را تبنی کردند، که این امر اراده‌شان را ضعیف ساخته و ممکن است منجر به بی‌ثباتی اعتمادشان نسبت به منهج صحیحی شود که در حال حاضر آن را دنبال می‌کنند و برگرفته از وحی الهی و شریعت حکیم آن است.

موضوع تعجیل و تأخیر نصرت دلیلی بر درستی و نادرستی منهج کسی که به دنبال تغییر بر اساس دین الله سبحانه و تعالی می‌باشد، نیست؛ زیرا انبیاء علیهم السلام که بهترین بندگان الله سبحانه و تعالی بشمار می‌روند، با تأخیر نصرت مواجه شده‌اند. تأخیر نصرت ابتلای الله سبحانه و تعالی است که هر کدام از بندگان را که بخواهد بدان ابتلاء و آزمایش می‌کند! آیات قرآنی برای تأکید این موضوع آورده شده است:

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشْءٍ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ [یوسف:

[110]

ترجمه: (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آن‌ها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و مردم گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آن‌ها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود!

این گونه بود که مدت‌ها قوم خود را دعوت کرد، اما آنان وی را تکذیب کردند، تمسخر کردند و با پیروانانش بدرفتاری کردند و وی را به چالش و مبارزه طلبیدند. نوح علیه السلام 950 سال در این ابتلاء و آزمایش ماند. وی در حمل دعوت خود بسیار سعی و کوشش می‌کرد و هیچ‌گاه از دعوت خود خسته و درمانده نمی‌شد؛ ولی با این همه سعی و کوشش فقط تعداد اندکی از قومش ایمان آوردند. وی بخاطر عدم استقبالش توسط مردم به منهج‌اش شک نکرد که مبدا فاسد باشد؛ بلکه با ایمان به راهش ادامه داد... و در این مورد مثال‌ها فراوان است.

اما در هنگام همگانی شدن مصیبت‌ها و مشقت‌ها؛ عجله کردن در نصرت‌خواهی یک غریزه انسانی است؛ زیرا انسان طول مصیبت‌ها را تحمل کرده نمی‌تواند؛ مگر کسی که الله بالایش رحم کند. چون مصیبت از یک طرف عزم را ضعیف کرده و فعالیت را کند می‌سازد، از طرف دیگر پیروان باطل را قوی کرده و برای‌شان چنین می‌نمایاند که آنان بر حق هستند! این دید سبب می‌شود که آنان ظلم و ستم‌شان را بر حاملان دعوت حق افزایش دهند که در نتیجه مصیبت بر حاملان دعوت حق افزایش یافته و در نصرت‌خواهی عجله می‌کنند. از خباب ابن ارت روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم در سایه کعبه بر چادری که داشت، تکیه کرده بود، ما نزدش (از شدت عذاب و سختی) شکایت کردیم و گفتیم: آیا برای ما نصرت

و کامیابی نمی‌خواهی؟ آیا برای ما دعا نمی‌کنی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالی که چهره مبارک شان سرخ شده بود، نشستند و فرمودند:

«قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْمُنْشَارِ فَيُجْعَلُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ فِرْقَتَيْنِ، مَا يَصْرِفُهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَيُمَشِّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ عَظْمِهِ مِنْ لَحْمٍ وَعَصَبٍ، مَا يَصْرِفُهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهُ لَيُتِمِّنَ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّكَّابُ مَا بَيْنَ صَنْعَاءَ وَحَضْرَمَوْتَ مَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ تَعَالَى وَالذَّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَعْجَلُونَ» (بخاری)

ترجمه: در زمان‌های قبل از شما مردانی بودند که برای بعضی از آن‌ها زمین را حفر کرده و او را در آن می‌گذاشتند، بعداً ابره می‌آوردند و بر فرق او گذاشته او را دو پاره می‌کردند؛ ولی این عذاب او را از دینش باز نمی‌داشت و بعضی دیگر با شانه‌های آهنین شانه کرده می‌شدند که از گوشتش گذشته به استخوان و عصب‌های وی می‌رسید؛ لیکن این عذاب او را از دینش باز نمی‌داشت! قسم به الله که این دین چنان تکمیل و پرتوان شود که مسافر از صنعا تا حضر موت برود و جز خوف الله دیگر هیچ خوفی در دل نداشته باشد؛ مگر آن‌که از گرگ بر گوسفندان خود هراس داشته باشد؛ لیکن شما عجله می‌نمائید (شکیبایی اختیار کنید).

واقعیت مشقت‌باری که امروزه امت اسلام در آن بسر می‌برد، از زمانی شروع شد که دولت آن (خلافت) فروپاشید، کفار سرزمین‌هایش را اشغال کرد و این سرزمین‌های طیب و نیکو همچو زندانی گشت که در آن کفار و یاوران‌شان با دین الله سبحانه و تعالی می‌جنگند! آشکارا مرتکب گناه می‌شوند! حقیرترین مردم در آن سروری می‌کنند! بلی، مزدوران کفار؛ اعم از حکام، سربازان، سیاستمداران، روشنفکران، خبرنگاران... الخ. از سخنان مؤلف تفسیر الظلال در مورد آیات سوره حج که این واقعیت را به تصویر می‌کشد، خوشم آمد که می‌گوید: ممکن است علت تأخیر نصرت و یا کندبودن روندش این باشد که هنوز ساختار امت مؤمن به بلوغ نرسیده و هنوز تکمیلش را به پایان نرسانده است! هنوز نیروهایش را بسیج نکرده و هر سلولی برای دانستن حداکثر قابلیت ذخیره نیرو و توانایی جمع‌آوری و آماده نشده است و اگر نصرت فرا می‌رسید، امت اسلامی به دلیل این‌که نمی‌توانست در درازمدت حمایتش کند، آن را به سرعت از دست می‌داد. چه بسا نصرت به خاطر این‌که امت پیوند و ارتباط خود را با الله سبحانه و تعالی افزایش دهد، به تأخیر افتد؛ زیرا امت پیوسته در درد و رنج بوده و هیچ تکیه‌گاهی برای خود غیر از الله نمی‌یابد و تنها جهتی که در هنگام مصیبت بدان رجوع می‌کند، الله سبحانه و تعالی است و بس!

بنابر این، این امت از حق، عدالت و خبری‌که به واسطه آن الله سبحانه و تعالی وی را نصرت داده، انحراف و سرکشی نمی‌کند... شاید علت تأخیر نصرت این باشد که هنوز باطلی‌که امت مؤمن با آن مبارزه می‌کند، بطور کامل برای مردم آشکار نشده و اگر در چنین حالتی مؤمنان بر باطل غلبه یابند؛ فریب‌خوردگانی‌که هنوز به فساد و ضرورت زوال آن یقین نکرده اند، برای نصرت دادنش پیدا خواهند شد و در نتیجه ریشه باطل در نفوس بی‌گناهان که حقیقت برای شان واضح نشده است، ثابت خواهد ماند. بنابر این، الله سبحانه و تعالی می‌خواهد تا باطل همچنان باقی بماند تا کاملاً فساد و بدی آن برای مردم هویدا شود و در حالی از بین برود که هیچ کسی برایش تأسف نخورد...!

شاید علت تأخیر نصرت این باشد که محیط هنوز آماده استقبال و پذیرایی حق، خیر و عدالتی‌که امت آن را به پیش می‌برد، نیست و اگر در چنین وضعیتی امت پیروز می‌گشت، با مخالفت محیط مواجه می‌شد و با هیچ تصمیمی کنار آماده نمی‌توانست. مبارزه تا زمانی ادامه می‌یابد که جان‌ها برای استقبال حق و حفظ بقای آن آماده شوند! شاید بخاطر این علل و غیر آن که فقط الله سبحانه و تعالی می‌داند، نصرت به تأخیر می‌افتد، قربانی‌ها افزایش می‌یابد و دردها روز افزون می‌شود؛ با آنکه الله سبحانه و تعالی از مؤمنان دفاع می‌کند و در نهایت برای‌شان نصرت می‌دهد. نصرت از خود تکالیف و قیمت دارد! الله سبحانه و تعالی وقتی نصرت می‌دهد که اسباب آن کاملاً فراهم و قیمت آن پرداخت شود و فضا برای استقبال و حفظ بقای آن آماده شود.

(وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) [سوره الحج: 40]

ترجمه: و یقیناً که الله یاری می‌دهد کسانی را که (با دفاع از انبیین و معابد) او را یاری دهند. الله (سبحانه و تعالی) نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد، یاران خود را پیروز می‌گرداند و چیزی نمی‌تواند او را در مانده کند و از تحقق و عده‌هایش جلوگیری نماید).

در این برهه تاریخی، کسانی که برای اقامه اسلام و تطبیق آن در روی زمین از طریق دولت خلافت فعالیت می‌کنند، یقین داشته باشند که این منهج شان؛ تنها منهجی است که قابلیت آوردن تغییر را دارا می‌باشد؛ زیرا منهج شان متکی بر ایدئولوژی اسلام بوده و مقیاس آن احکام شرعی می‌باشد و علاوه بر آن، راه‌حلهایی را که پیشنهاد می‌کند، واقعی و برگرفته از وحی الهی است که از طریق اجتهاد صحیح در اصول و فروع استنباط شده است. این مرحله در کنار ایمان و اعتماد بر منهج، نیازمند ثبات و استقامت است تا الله سبحانه و تعالی ما را بوسیله خلافت بر منهج نبوت مورد لطف و بزرگداشت قرار دهد! ادامه دارد....

برگرفته شده از شماره 418 جریده الرایه

نویسنده: استاد محمد جامع (أبو ایمن)

مترجم: محمد مزمل